

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وېر زنده يک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی
۱۴ اپریل ۲۰۰۹

آیا فراموش تاریخ می شود؟

من بیاد دارم
شاهد من حافظه تاریخ است
من هر روز از پنجره خانه خود قلعه هندوکش را می دیدم
بیاد دارم که دستار پرغرور قلعه هندوکش به زمین خورد
آن روز درختان کاج و چنارهای سر به فلک کشیده، کمر خم کرده بود
یاسین اشک بر سر آن دستار افتاده میخواندند
چشم کور تونل سالنگ با دستان مکروبی که
بخاطر منافع خانین کور شده بود
در لابلای باد و طوفان خود میگفت:
مرا، مرا، مرا، مرا، مرا
بگذارید که به
مرگ تدریجی خود بمیرم من
دیگر چشم جور نمی خواهم
مرا بدست "کا جی بی" ندهید
آن نسخه ای را که به امضای "کا جی بی" رساندید
نسخه چشم من نیست
برای خدا، برای خدا، برای خدا
مرگ بهتر از این
تداوی بر من است
بی حال و دل بدم، بی حال و دل بدم
نطفاً

پکول خود را بدهید
 دل بدم، دل بدم، دل بدم
 مرا
 جهت تداوی به روس تسلیم نکنید
 دل بدم ، دل بدم
 فہیم، قانونی، عبداللہ
 پکول را بگیریڈ ، پکول را بگیریڈ
 آمر صاحب!
 وقت در پکول شما
 استغراق کردہ
 راستی راستی
 بلی بلی بلی استغراق کردہ
 فہیم
 زود شو، زود شو
 پکول را بشوی بشوی کہ
 بہ لکۂ تاریخی تبدیل نشود
 آمر صاحب از
 سر و پای پکول
 نفرت می بارد
 نفرت می بارد؟
 بلی، بلی، بلی، نفرت می بارد
 بشوئید، بشوئید، بشوئید
 فوری بشوئید
 آمر صاحب شستم
 ولی، ولی، ولی
 پاک نشد
 فقط فقط جای دو امضاء معلوم می شود
 باز ہم بشوئید، باز ہم بشوئید
 آمر صاحب، آمر صاحب
 فکر می کنم، فکر می کنم، این امضاء ہا
 درج تاریخ این ورق ہای سنگی شدہ
 بوی شاہ شجاع و ببرک را می دہد
 بوی قرارداد گندمک را می دہد
 بوی خط دیورند را می دہد
 خدایا، خدایا، خدایا! این پکول ہم در کثافت خورد
 آمر صاحب ، آمر صاحب ، تشویش نکنید
 این پکول این پکول قبل از آنکہ
 بہ سر شما برسد

حمید گل ، حمید گل
آی اس آی، آی اس آی
در این کلاه پاک کرده بود
راستی ، راستی ، راستی
بلی، بلی
آپ که از سر پرید چه یک نیزه ، چه صد نیزه!!!
کاپی قرارداد سالنگ را شَدَه قبرم سازید
و داکتر وفا معصومی را مجاور قبرم!!!